فصلنامه علمی فقه و حقوق نوین

Journal of Jurisprudence and Modern Law

Home Page: www.jaml.ir

۱-۱۴	صفحات			دوره انتشار		شماره انتشار		۱۴۰۵	سال انتشار

آنومی از منظر امیل دورکیم

آقای دکتر امیر قائدی

دانش آموخته دکتری، گروه حقوق، واحد شهرکرد، دانشگاه آزاد اسلامی، شهرکرد، ایران

چکیده

امیل دورکیم، جامعه‌شناس فرانسوی، از جمله افراد تأثیرگذار در تحولات دانش جرم‌شناسی است. رویکردی که وی در تحلیل پدیده‌های بزهکارانه و کژروانه انتخاب کرده، کاملاً در راستای یک نگرش جرم‌شناسی جامعه‌شناختی یا جامعه‌شناسی جرم‌شناسانه است. وی با طرح برخی مفاهیم، سعی کرده است بزهکاری و کژروی برخی افراد را ریشه‌یابی کند. ازجمله مفاهیم مهم و اصلی مورد نظر دورکیم، مفهوم آنومی (بی‌هنجاری) است. این مفهوم را دورکیم، از مطالعه تحولاتی که جوامع انسانی به‌ویژه به دنبال پدیده صنعتی شدن، از حالت ارگانیکی به حالت مکانیکی پیدا می‌کنند، تحلیل می‌کند. به عقیده وی، آنومی، ریشه در ساختار معیوب اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی جامعه در طول دوران تحولاتی است که به خود می‌بینند. طرح مفهوم آنومی از سوی دورکیم، سبب تحولات مهمی پس از او شد که از جمله آن‌ها می‌توان به ارائه نظریات ناهنجاری و فشار از سوی برخی نظیر مرتون و پارسونز اشاره کرد. در این پژوهش، سعی شده است نظریه آنومی از منظر امیل دورکیم، مورد بحث‌وبررسی قرار گیرد.

واژگان کلیدی: آنومی، بی‌هنجاری، دورکیم، تحول ساختار جامعه، بزهکاری و کژروی.

طبقه‌بندی JEL : فقه – حقوق – جزا و جرم شناسی – حقوق بین الملل – حقوق خصوصی

فصلنامه علمی فقه و حقوق نوین
Journal of Jurisprudence and Modern Law
Home Page: www.jaml.ir

Anomie from the perspective of Emile Durkheim

Abstract

Emile Durkheim, a French sociologist, is one of the influential figures in the developments of criminology. The approach he chose in analyzing criminal and deviant phenomena is completely in line with a sociological criminology or criminological sociology perspective. By proposing some concepts, he has tried to find the root of the criminality and deviance of some individuals. Among the important and main concepts considered by Durkheim is the concept of anomie (abnormality). Durkheim analyzes this concept by studying the changes that human societies, especially following the phenomenon of industrialization, find from an organic to a mechanical state. In his opinion, anomie is rooted in the defective economic, social and cultural structure of society during the period of changes he sees. The proposal of the concept of anomie by Durkheim caused important developments after him, including the presentation of theories of abnormality and pressure by some such as Merton and Parsons. In this study, an attempt has been made to discuss the theory of anomie from the perspective of Emile Durkheim.

Keywords: Anomie, anomaly, Durkheim, transformation of the structure of society, crime and deviance.

فصلنامه علمی فقه و حقوق نوین
Journal of Jurisprudence and Modern Law
Home Page: www.jaml.ir

متن مقاله

جرم شناسی، آوردگاه نظریه‌ها و رویکردهای مختلف در راستای تحلیل پدیده‌های مجرمانه است. هر جرم شناسی، با تکیه بر نگاه و نگرشش نسبت به مسائل و موضوعات مختلف، سعی بر تحلیل ریشه‌های بزهکاری دارد. نگاه جامعه‌شناختی به پدیده بزهکارانه، از جمله مهم‌ترین رویکردهای نظری مطرح پیرامون تحلیل علمی و تجربی جرم است. به قطع و یقین می‌توان گفت نگاه جامعه شناختی به پدیده بزهکارانه و کژروانه را امیل دورکیم[۱]، نمایندگی می‌کند. دورکیم با طرح چند مفهوم اصلی و بنیادین، سعی کرده است رویکردی واقع بینانه به جرم و بزهکاری را مبنای تحلیل جرم‌شناختی خود قرار دهد. یکی از این مفاهیم، مفهوم آنومی (بی‌هنجاری) است. از نگاه دورکیم، آنومی، محصول ساختار معیوب جامعه است و دلالت بر وضعیتی دارد که در آن، انسان، نمی‌تواند توقعات خود را در جامعه تحول یافته در پرتو مدرنیته، برآورده شده ببیند.

با عنایت به اهمیت مفهوم آنومی در دانش جرم شناسی به ویژه جرم‌شناسی اثباتی و نیز نظر به تحولاتی که طرح این مفهوم از سوی امیل دورکیم در برخی نظریات مهم جرم‌شناسی پس از وی به ویژه از سوی مرتون[۲] و پارسونز[۳] ایجاد کرده، در تحقیق حاضر، سعی شده است مفهوم آنومی و ریشه‌های پیدایش این تئوری از سوی امیل دورکیم مورد بحث و بررسی قرار گیرد.

۱- جایگاه دورکیم و نظریات وی در جرم شناسی

دیدگاه‌های امیل دورکیم جامعه شناس فرانسوی در سال‌های پایانی سده نوزدهم را می‌توان کانون رهیافت جامعه شناسانه در جرم‌شناسی جریان اصلی به شمار آورد که حتی فراتر از دیدگاه‌های کسانی چون انریکو فرّی[۴] در جرم شناسی اثباتی، در پیدایش آنچه می‌توان جرم شناسی جامعه شناسانه معاصر نامید نقش داشته‌اند. سهم دورکیم نه تنها در این رهیافت بلکه در تحول جرم شناسی به اندازه‌ای است که حتی برخی، از یک جرم شناسی دورکیمی و میراث بزرگی که برای جرم شناسی بر جا گذاشته، یاد کرده‌اند. (رایجیان اصلی، ۱۳۹۸: ۱۳۶)

نظریه‌های دورکیم را از این نظر که تا اندازه‌ای واکنشی به پیش فرض کلاسیک خرد بنیادی یا گزینش آزادانه بود، می‌توان در مقابل جرم شناسی کلاسیک قرار داد و از این نظر که به اندازه جرم‌شناسی اثباتی ایتالیایی بر جبرباوری تمرکز نداشته‌اند می‌توان در ردیف دیدگاه‌های نسبیت باوری جامعه شناسانه یا یک اثبات باوری جامعه شناسانه متمایز از سنخ ایتالیایی آن به شمار آورد. این دیدگاه‌ها در سه کتاب اصلی دورکیم گردآوری و سازمان دهی شده‌اند؛

۱- کتاب تقسیم کار در جامعه (۱۸۹۳) که فرایندهای تغییر اجتماعی ناشی از صنعتی شدن را بخشی از تحول جامعه از شکل مکانیکی(سنتی) به شکل ارگانیکی(پیشرفته) توصیف می‌کند.

۲- کتاب قواعد روش جامعه‌شناسی (۱۸۹۵) که دیدگاه خود درباره بهنجاری جرم را در آن تبیین کرد.

۳- کتاب خودکشی که در آن به شرح و بسط مفهوم ناهنجاری(آنومی) پرداخت. (نجفی ابرندآبادی و هاشم‌بیگی، ۱۳۹۶: ۱۴۴)

همچنین دورکیم، ملاحظاتی درباره مجازات نیز داشته است که در مقاله او تحت عنوان «دو قانون تحول کیفری» (۱۹۰۰-۱۹۰۱) تبیین شده‌اند ولی به اندازه سهمش در جرم شناسی، در تحول کیفرشناسی اثر نگذاشته است. بر این اساس، نظریه جرم شناسانه دورکیم را می‌توان حول دو محور بهنجاری جرم و ناهنجاری خلاصه و بررسی کرد.

۲- پیدایش نظریه آنومی

دورکیم، مفهوم آنومی یا بی‌هنجاری(ناهنجاری) را نخستین بار در کتاب

فصلنامه علمی فقه و حقوق نوین
Journal of Jurisprudence and Modern Law
Home Page: www.jaml.ir

«تقسیم کار در جامعه» (۱۸۹۳) با این استدلال مطرح کرد که صنعتی شدن جامعه فرانسه، در کنار تقسیم کار ناشی از آن، موجب بر هم خوردن انسجام و همبستگی سنتی شده است و این صنعتی شدن، چنان شتابنده و سریع بود که جامعه نتوانسته است سازوکارهای مناسبی برای ساماندهی ارتباط‌های اجتماعی بیابد. در چنین وضعی، با ایجاد یک نابرابری به ویژه اقتصادی، نوعی فروپاشی در قواعد یا هنجارهای جامعه پدیدار می‌شود که دورکیم، آن را بی‌هنجاری می‌نامد. (فیروزجائیان و هاشمی، ۱۳۹۵: ۸۴)

در کتاب خودکشی(۱۸۹۷)، دورکیم، نظریه بی‌هنجاری خود را گسترش و تعمیم داد. او داده‌هایی را که افزایش میزان خودکشی را در دو دوره رکود و شکوفایی اقتصادی نشان می‌دادند، از نظر آماری تحلیل کرد و به این نتیجه رسید که هرچند افزایش خودکشی در دوره رکود اقتصادی را می‌توان درک کرد ولی درک افزایش آن در دوره شکوفایی اقتصادی، دشوار و پرسش برانگیز است. (رفیع‌پور، ۱۳۸۷: ۴۴)

به عقیده دورکیم، جامعه فرانسه در یک سده اخیر(از روزگار او)، سرچشمه‌های سنتی سامان‌دهی امیال انسانی را ویران کرده است. دین نفوذ خود را به ویژه میان کارگران و کارفرمایان تا اندازه بسیاری از دست داده است و گروه‌های شغلی مانند اتحادیه‌های صنفی از میان رفته‌اند. حکومت نیز به نوعی به سیاست آزادگذاری یا دخالت نکردن در فعالیت‌های بازرگانی گرایش یافته است. در نتیجه، امیال و خواسته‌های انسانی، دیگر همچون گذشته، مهار و کنترل نمی‌شوند و این آزادی امیال که ناشی از تغییر ساختار اجتماعی از جامعه مکانیکی(سنتی) به جامعه ارگانیکی(پیشرفته) به یک وضعیت بی‌هنجاری انجامیده که افزایش میزان خودکشی نیز از پیامدهای آن است. (کیوستر، ۱۳۸۶: ۲۷۲)

یافته‌های دورکیم، همچنین نشان می‌دهند که مجردها از جمله طلاق گرفته‌ها و متارکه کرده‌ها، نسبت به متأهل‌ها بیشتر احتمال دارد که خودکشی کنند. میزان خودکشی با بالا رفتن سن و نیز در دوره‌های جنگ و انقلاب، افزایش می‌یابد. شمار خودکشی‌ها میان ارتشی‌ها و نظامی‌ها بیشتر از شهروندان عادی است و سرانجام، در برخی از جوامع سنتی که هنجارهای عرفی، بانوان و خدمتکاران را وا می‌دارد تا پس از مرگ شوهر و یا اربابشان به زندگی خود پایان دهند، نیز خودکشی به چشم می‌خورد. (گیدنز، ۱۳۶۳: ۴۳)

باید اضافه کرد که دورکیم، در تئوری خود بر اهمیت حوزه اقتصاد و بحران‌های اقتصادی و پیامد این بحران‌ها بر آشفتگی‌های اجتماعی و ضعف و انحطاط اخلاق عمومی تأکید دارد. وظایف اقتصادی سابقاً نقشی فرعی داشتند ولی اکنون نقش درجه اول پیدا کرده‌اند. گذشت آن زمانی که وظایف اقتصادی را به طبقات اجتماعی فرودست وا می‌گذاشتند. در مقابل وظایف اقتصادی، وظایف نظامی، اداری و دینی بیش از پیش عقب می‌روند. این شکل از فعالیت که چنین مقامی در مجموعه زندگی اجتماعی پیدا کرده بی‌گمان نمی‌تواند تا این حد بی‌نظم باقی بماند بی‌آنکه به آشفتگی‌های عمیق نینجامد. چنین وضعی به ویژه منشاء انحطاط اخلاق عمومی است زیرا درست از آن جا که وظایف اقتصادی، امروزه بخش اعظم شهروندان را به خود مشغول کرده است، انبوهی از افراد را می‌توان دید که سراسر عمرشان در محیطی صنعتی و تجاری می‌گذرد؛ و چون انتظام اخلاقی شدیدی بر این محیط حکمفرما نیست پس در واقع بخش اعظم زندگی آنان خارج از حیطه هرگونه تأثیر اخلاقی قرار دارد. اگر نظم و قاعده‌ای در امور اقتصادی ایجاد نشود آثار و نتایجش از حدود قلمرو اقتصاد خارج خواهد شد و نوعی کاهش حس اخلاقی در عموم مردم را به دنبال خواهد داشت. (لهمان، ۱۳۸۵: ۵۵)

دورکیم در عین تأکید بر اهمیت اقتصاد و به ویژه پیامدهای منفی بی‌نظمی و آشفتگی در حوزه اقتصاد بر جامعه، تلاش دارد تا این تصور

فصلنامه علمی فقه و حقوق نوین
Journal of Jurisprudence and Modern Law
Home Page: www.jaml.ir

ساده را که بحران‌های اقتصادی به دلیل فقری که ایجاد می‌کنند منتج به پیامدهای منفی اجتماعی می‌شوند را رد کند. استدلال او این است که اگر مسائل اجتماعی ناشی از بحران اقتصادی و فقر ناشی از آن باشد، طبیعتاً در شرایط رفاه و رونق اقتصادی نباید با این مسائل مواجه باشیم؛ حال آنکه برخی از مسائل اجتماعی چون خودکشی، هم در شرایط رونق و هم در شرایط رکود اتفاق می‌افتد. پس علت این مسائل را باید در جای دیگری جستجو کرد. (نائبی و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۷)

البته باید افزود که دورکیم دو نوع آنومی را از هم متمایز می‌کند؛ آنومی حاد و آنومی مزمن. منظور از آنومی حاد، آنومی است که در اثر بحران‌های ناگهانی اتفاق می‌افتد. اما نوع دیگری از آنومی که در محیط‌های تجاری و صنعتی رخ می‌دهد، حالت مزمن پیدا کرده است. فضایی از زندگی اجتماعی وجود دارد که در حال حاضر وضعیتی مزمن دارد و آن جهان صنعت و تجارت است. درواقع از یک قرن به این سو، پیشرفت اقتصادی عمدتاً ارتباطات صنعتی را از قید هر نظام و قاعده‌ای آزاد کرده است. صنعت به جای اینکه خود به عنوان وسیله‌ای برای رسیدن به هدف پیشرفت باشد، به عنوان هدف متعالی افراد و همچنین جامعه درآمده است. در این حال، تمایلات و اشتهایی که به این ترتیب توسط صنعت برانگیخته شده، از هر اقتداری که آنها را محدود کند خود را آزاد ساخته و از آن درمی‌گذرند. مع هذا، این استعداد و آمادگی‌ها چنان مزمن هستند که جامعه، هر چه بیشتر آنها را پذیرفته و بدان عادت می‌کند که آن‌ها را به عنوان یک پدیده طبیعی تلقی کند. (سی‌من، ۱۳۸۹: ۲۴۴)

بنابر آنچه دورکیم در توضیح و تشریح مفهوم آنومی مطرح کرده، می‌توان مدل مفهومی زیر را در رابطه با عوامل موثر در پیدایش و گسترش آنومی ترسیم کرد؛

تضعیف پیوستگی اجتماعی

ضعف تعهد مذهبی　　عدم مشروعیت دینی قواعد

تغییرات سریع و نابسامان و قانون گریزی)　　فردگرایی　　آنومی(بی‌هنجاری اقتصادی و اجتماعی

نابرابری در اعمال قانون　　ناعادلانه دانستن قواعد

۳- مفهوم آنومی

آنومی یکی از مهم‌ترین مفاهیم جامعه‌شناسی و جامعه مدرن است. چرا که جامعه‌شناسی خود به منظور توضیح وضعیت آنومیک حاصل از فروپاشی جامعه سنتی در نتیجه تغییرات سریع اقتصادی_اجتماعی به وجود آمده است. بدون تردید ابتدای طرح جدی و نظام-یافته-ی نظریه‌های جامعه-شناسی جرم را باید زمانی دانست که «جرم به عنوان یک پدیده-ی اصولاً اجتماعی شناخته شد». این موضوع برای نخستین بار توسط امیل دورکیم مطرح شد. وی در آثار خود به اثبات این مطلب پرداخت که مقوله-ی جرم از جامعه جدا نیست و جرم محصول جامعه است اما محصول گونه-های خاصی از انتظام اجتماعی است. در این راستا وی به ابداع یک مفهوم جدید در عرصه-ی مطالعات جرم-شناسی پرداخت، تحت عنوان «آنومی». جرم محصول یک وضعیت آنومیِ حاکم بر جامعه است. یک جامعه-شناس به نام رابرت مک آیور به نحو روشنی مفهوم آنومی در نظریه-های دورکیم را تعریف می-کند: «آنومی عبارت است از حالت ذهنی کسی که به اخلاقیات حاکم و خاستگاه آن پشت پا زده، دیگر

فصلنامه علمی فقه و حقوق نوین
Journal of Jurisprudence and Modern Law
Home Page: www.jaml.ir

اعتقادی به جمع جامعه خود ندارد و خود را مجبور به تبعیت و پیروی از آنها نمی‌بیند. انسان آنومیک از نظر ذهنی عقیم می‌شود و تنها به تمایلات خود می‌پردازد و مسئولیت هیچ کس و هیچ چیز را نمی‌پذیرد». (کاوه، ۱۳۹۱: ۱۷۹) بنابراین تمرکز دورکیم بر «فردی» است که از جامعه-ی خود و هنجارهای آن بریده و بگونه-ای رفتار می-کند که گویی سازوکارهای کنترلِ جامعه بر وی سنگینی نمی-کند.

مفهوم آنومی آشکارا حکایت از مبنای ساختاری تفکر دورکیم دارد و از این رو تفکرات دورکیم تأثیر شگرفی بر جامعه-شناسان ساختارگرایی همچون رابرت مرتون می-نَهد. رابرت مرتون بیش از سی سال بعد با الهام از همین تفکر دورکیم، نظریه-ی اهداف و ابزار را مطرح کرد. او در کتاب خود تحت عنوان «ساختار اجتماعی» از نظریه-ی آنومی دورکیم دفاع کرد و آنومی یا بی‌هنجاری را محصول ساختار اجتماعی دانست. به عقیده-ی مرتون چنانچه ساختار اجتماعی جامعه بر بی-عدالتی اقتصادی و تبعیض مبتنی باشد، خود جامعه باعث و علت ارتکاب جرم می‌شود. (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۴: ۴۳)

دورکیم از نظرگاه جرم شناسی، بی‌هنجاری را فراتر از مفهوم بهنجاری، در پرتو رابطه پدیده مدرن‌گری با جرم تحلیل می‌کند. به سخن دیگر، وضعیت بی‌هنجاری دستکم در جامعه فرانسه را نتیجه تغییر اجتماعی سریع ناشی از مدرن شدن جامعه می‌انگارد. همچنین دورکیم را می‌توان نخستین کسی دانست که به طور ضمنی، به مفهوم کژروی(انحراف) توجه کرد زیرا از نظریه بی‌هنجاری او چنین برمی‌آید که همه کسانی که هم‌بستگی و یکپارچگی اجتماعی در آنان سست است و اغلب به امیال شخصی خود وابسته‌اند، بیشتر احتمال دارد تا تبدیل به کژرو و منحرف شوند. (کلووارد، ۱۳۸۸: ۱۴۳)

بی‌هنجاری یا آنومی به از کار افتادن هنجارهای اجتماعی و به شرایطی اشاره دارد که هنجارها رفتار افراد و گروه‌های اجتماعی را کنترل نمی‌کنند. افراد در چنین وضعی نمی‌توانند جایگاهشان را در جامعه بیابند و برای تنظیم کردن خود با شرایط متغیر زندگی دچار مشکل می‌شوند. این مسأله، به نوبه خود، به نارضایتی، ناامیدی، تضاد و کژروی و جرم می‌انجامد. (ویلیامز، ۱۳۹۳: ۸۱)

در نتیجه، بی‌هنجاری در نظریه دورکیم فقط وضعیتی که در آن، هیچ هنجار اجتماعی وجود ندارد نیست بلکه وضعی را که هنجارها با یکدیگر در تضاد هستند یا کارکرد خود را از دست می‌دهند نیز در بر می‌گیرد. برای نمونه، رخدادهای طبیعی مانند طوفان و سیل و زلزله، ممکن است باعث فروپاشی در هنجارهای اجتماعی و افزایش جرائمی مانند سرقت مواد خوراکی شوند، همچنان که جنگ نیز می‌تواند با افزایش میزان برخی از جرائم همبستگی داشته باشد. [۵] وانگهی در جرم‌های کوچک مانند تخلف‌های راهنمایی و رانندگی، رعایت نکردن مقررات پلیسی می‌تواند نمایانگر سست شدن هنجارهایی باشد که دیگر کارکرد گذشته خود را ندارند.

از میان پژوهش‌های معاصری که درباره نظریه بی‌هنجاری دورکیم انجام شده‌اند، یافته‌ها نشان داده‌اند که فرایند مدرنیته با افزایش جرائم مالی و با کاهش جرائم خشونت بار همبستگی دارد. با وجود این، به نظر می‌رسد که درباره این یافته‌ها نباید زیاده‌روی و اغراق کرد و بهتر است که این نتیجه‌ها را نسبی دانست. دورکیم «آنومی» را در سطح کلان می‌بیند و بی‌هنجاری را چنین تعریف می‌کند: هرگاه شیرازه تنظیم‌های اجتماعی ازهم گسیخته گردند، نفوذ نظارت‌کننده جامعه برگرایش‌های فردی، دیگر کارآیی‌اش را از دست خواهد داد و افراد جامعه به حال خودشان واگذار خواهند شد که چنین وضعیتی را بی‌هنجاری می‌خوانند. این اصطلاح به وضع بی‌ضابطگی نسبی در کل جامعه یا در برخی از گروه‌های ترکیب

فصلنامه علمی فقه و حقوق نوین
Journal of Jurisprudence and Modern Law
Home Page: www.jaml.ir

کننده آن راجع است. در این موقعیت، آرزوهای فردی دیگر با هنجارهای مشترک تنظیم نمی‌شوند و در نتیجه، افراد بدون راهنمای اخلاقی می‌مانند و هرکسی تنها هدف‌های شخصی‌اش را دنبال می‌کند. (سلیمی، ۱۳۹۵: ۱۵۵)

منظور از آنومی-حالتی را شامل می‌شودکه شرایط موجب بروز احساساتی از قبیل ناامیدی نسبت به آینده، بی‌اعتمادی نسبت به افراد جامعه، بی‌اعتمادی نسبت به مسئولان و مجریان امور و بی‌قدرتی در افراد است. هرچند مفهوم آنومی (نابسامانی اجتماعی) به معنای مختلف نیز به کار رفته است. از جمله به معنای «بی‌سامانی شخصی» است. آن‌چنان که فرد بی‌قانون یا سردرگم می‌شود و یا به-معنای نابسامانی اجتماعی است یعنی موقعیت‌های اجتماعی-که درآن خود هنجارها با یکدیگرکشمکش داشته و فرد به تلاش-خود برای همسازی‌اش باخواسته‌های متناقض به دردسرمی‌افتد و درنهایت این-که «آنومی» وضعیتی از اجتماع را شامل می‌شود که همه هنجارهای آن از بین رفته و قانون و قاعده‌ای در کار نیست و خودبه‌خود نظم جامعه نیز از بین رفته است. (کوثری و همکاران، ۱۳۸۸: ۶۱)

هم-چنین دورکیم رونق-اقتصادی را نیز همانند رکود می‌داندکه می‌تواند پیامدهایی داشته باشد، به ویژه اگر تغییرهایی که در شرایط بالندگی اقتصادی رخ می‌دهند ناگهانی باشند. تصور بر این است که حالت ناگهانی این تغییرهای گسترده، آرزوها را فراتر از امکان تحقق آن آرزوها می‌برد و این هم باعث می‌شود دستگاه نظم-دهنده جامعه با مانع روبرو شود. دورکیم در مورد مشارکت اجتماعی و ارتباط آن با آنومی چنین مطرح می‌کند که پهنه میدان عمل متقابل اعضای گروه با یکدیگر است و به نوعی فراوانی عمل متقابل الگودار، گواه بر درجه یکپارچگی بوده و آن نیز نشان از توافق بالاست که در چنین صورتی رفتار انحرافی (آنومی) کمتر رخ می‌دهد. (لوکس، ۱۳۸۳: ۱۳۳)

در تبیین آنومی، دورکیم علاوه بر صنعتی‌شدن شتابان و دگرگونی ساختاری جامعه، بر «سیری‌ناپذیری» انسان و امیال نامحدود او تأکید می‌کند. او آنومی را «ناتوانی از خودداری ورزیدن» دانسته و بر این باور است که قواعد «اخلاقی» و نه قواعد «اقتصادی»، می‌تواند آشفتگی و هرج‌ومرج را محدود کند و بر شهوات سیری‌ناپذیر آدمی لگام بزنند. آنومی کلیدی‌ترین مفهوم در جامعه شناسی انحرافات دورکیم می‌باشد. برای کاربست نظریه دورکیم در زمینه انحرافات(در اینجا قانون گریزی) مشخص کردن معنی دقیق این مفهوم و اینکه آنومی مترادف با چه وضعیتی است ضروری به نظر می‌رسد. با بررسی ادبیات نظری مشخص می‌شود که معادل‌های مفهومی متعددی برای این مفهوم در جامعه‌شناسی وجود دارد. نابسامانی، بی‌هنجاری، تضاد هنجاری، اختلال هنجاری، بی‌قاعدگی و آشفتگی از جمله مفاهیمی هستند که برای تعریف آنومی به کار رفته است. (معیدفر، ۱۳۹۱: ۲۲۱)

از نظر دورکیم قواعد اخلاقی که با عنوان قانون از آن نام می‌برد، دو جنبه دارد. نخستین ویژگی قاعده اخلاقی تکلیفی بودن آن است اما پندار تکلیفی بودن، مفهوم اخلاق را کامل نمی‌کند. ممکن نیست عملی را بدون توجه به محتوای آن انجام دهیم، صرفاً به این دلیل که به ما دستور داده شده است. برای اینکه کاری انجام دهیم باید تا حدی با احساسات ما همخوانی داشته و برای ما به نوعی مطلوب باشد. پس اجبار یا تکلیف تنها یکی از جنبه‌های اخلاق را بیان می‌کند و دلپذیری)مطلوبیت(خصلت دیگری است که بنیانی بودن آن کمتر از خصلت اول نیست. (مومنی، ۱۳۸۴: ۱۵۵)

در آنومی این دو عنصر اخلاق آسیب می‌بینند و موجب می‌شود تا فرد التزام خود را به قانون از دست بدهد. از این رو، آنومی وضعیتی است که

فصلنامه علمی فقه و حقوق نوین
Journal of Jurisprudence and Modern Law
Home Page: www.jaml.ir

در آن قواعد اجتماعی برای افراد الزام آور نبوده و برای آن‌ها مطلوبیتی نداشته باشد. بنابراین آنومی مترادف با فساد و انحراف اخلاقی است. در وضعیت آنومی اجتماعی قواعد اجتماعی که می‌تواند قوانین عرفی یا قوانین رسمی جامعه باشد مطلوبیتی برای فرد ندارد و از این رو تحت تاثیر عوامل زمینه‌ساز شرایط آنومیک، عدم التزام یا قاعده شکنی را به تبعیت از قواعد ترجیح می‌دهد.(ولد و دیگران، ۱۳۹۳: ۱۹۴)

۴- جلوه‌ها و مصادیق آنومی در دیدگاه دورکیم

نظم اجتماعی اساس تداوم هر جامعه می‌باشد. ثبات هر جامعه‌ای مبتنی بر رعایت قواعد اجتماعی آن جامعه است. در هر جامعه‌ای بخشی از قواعد توسط شهروندان به دلایل مختلف رعایت نمی‌شود. وضعیتی که قوانین توسط افراد رعایت نمی‌شود را می‌توان وضعیت آنومیک نام نهاد. در حقیقت قانون گریزی را می‌توان وضعیتی آنومیک دانست که در آن قواعد اجتماعی به دلایلی رعایت نمی‌شود.

اساساً در زندگی اجتماعی بشر، از جمله مسائلی-که در هر زمانی از تاریخ، انسان با نوعی با آن برخورد داشته است مسئله «بی‌هنجاری» [۶] بوده است. بی‌هنجاری می‌تواند بر حسب مواردی چون نوآوری، طغیان، اصلاح‌خواهی اجتماعی و یا رفتارهای ضد اجتماعی، تنازع و عدم پذیرش هنجارها، حکومت ناگرایی و یا ناهمنوایی منبعث از بی‌حالی و یا ناشی از خلق و ابداع، اشکال بسیار گوناگونی به خود گیرد. هم-چنین به نحوی معیار مشترک بین اعضای جامعه متزلزل و از بین می-رود مسئله‌ای که به زعم برخی صاحب‌نظران، بیشتر در جوامع در حال گذر است. از سویی هم افرادی که خود دچار «احساس‌آنومی» هستند با رفتارها و برخوردهای خود در سرایت همین احساس به دیگران و مبتلا کردن آن-ها به «احساس‌آنومی» نقش دارند.

به اعتقاد دورکیم، وقتی فقدان التزام اجتماعی به قوانین، هنجارها و قواعد به وجود آید، افراد احساس می‌کنند راهنمایی در انتخاب‌های خود ندارند، درنتیجه حالتی از گسستگی و بی‌سامانی در نظام اجتماعی آشکار می‌شود. در حقیقت، تضعیف هنجارهای نظم دهنده به رفتارهای افراد، وضعیت آنومیک خوانده می‌شود لذا بررسی احساس آنومی در بین دانشجویان برای حل آن باید جدی-گرفته شود. در این میان باتوجه به عواقبی که می‌تواند در پی ابتلاء جامعه به آنومی در جامعه پیش بیاید، با آگاهی به این مسئله که رفتارهائی چون ناامیدی، بی‌معنائی، بی‌اعتمادی به دیگران و مسئولین از عوارض آنومی است، لذا باید در بعد اهمیت مسئله، به این مورد توجه داشت که افرادی با چنین خصوصیاتی چون در جامعه زندگی می‌کنند. چگونه با دیگران تعامل خواهند داشت و این که چگونه بر افراد دیگر تأثیر گذاشته و در آینده چطور افرادی را تربیت و به جامعه تحویل خواهند داد.(حسینی کشاورز، ۱۳۹۳: ۶۴)

در زندگی اجتماعی، انسان غالب انحراف‌ها را درشرایط زمانی و مکانی تعریف و مشخص کرده است. لذا انحرافات و مقولات، بیشتر حالت نسبی به خود می‌گیرند. در این میان «آنومی» که گاهی «اختلال اجتماعی» یا به نوعی «بی‌نظمی اجتماعی» نیز خوانده می‌شود، مورد توجه دورکیم قرار گرفته است. برای درک-صحیح شرایط «بی‌هنجاری» و «آنومیک» بهتر است-که ابتدا به هنجارهای جامعه توجه شود. چراکه با شناخت هنجارها، بی‌هنجاری‌ها نیز راحت‌تر قابل شناخت می‌شوند.

آنومی از جمله مسائلی است که مربوط به دوران مدرن است چراکه فرایند مدرنیزاسیون چه در بعد فنی و چه در بعد فرهنگی موجب آسیب دیدن ساختار ارزشی پیشین شده است و انسان مدرن را در فضایی مبهم به خود واگذاشته است. تحمیل سبک‌های جدید زندگی به انسان‌ها از جانب رسانه‌ها در قالب تولید مداوم آرزومندی، نیاز دستیابی به سعادت و

فصلنامه علمی فقه و حقوق نوین
Journal of Jurisprudence and Modern Law
Home Page: www.jaml.ir

خوشبختی را برای انسان مدرن مبدل به معنایی کرده است که دستیابی به آن مدام به تعویق می‌افتد.(حسینی کشاورز، ۱۳۹۳: ۸۴)

دورکیم معتقد بود که این طبیعت بشری نیست که محدوده تغییرپذیر ضروری نیازهای ما را تعیین می‌کند یعنی نیازها تا جایی که به فرد بستگی دارند نامحدود هستند. اگر نیروهای نظم دهنده بیرونی نباشند، توانایی احساس ما به خودی خود سیری ناپذیر و نامحدود است.

دورکیم با طرح مفهوم آنومی، به این نکته نیز اشاره می‌کند که هر جامعه تلاش دارد تا اهداف و آرزوهای مردم خود را محدود کند. اگر جامعه‌ای آنومیک شود نمی‌تواند برخواست‌ها و آرزوهای جامعه‌ی خود اعمال کنترل کند؛ در این جامعه مطالبات افراد پایان ندارند در این شرایط اطاعت از قوانین با دشواری صورت می‌گیرد و بروز رفتارهای جایگزین در بین افراد، مانند جرم و انحراف، اجتناب ناپذیر است. (جوانمرد، ۱۳۹۰: ۸۵)

تئوری دورکیم در مورد خودکشی بر پیامدهای انسجام و تنظیم تأکید دارد. انسجام بالا، پیوندهای اجتماعی قوی و ارزش‌های اجتماعی مشترک را می‌پروراند به میزانی که جامعه خواست‌های یک فرد را تنظیم می‌کند معنای زندگی او را نیز تعیین می‌کند. مطابق نظر دورکیم انسجام، دو عنصر بنیادین دارد: حمایت اجتماعی و کنترل اجتماعی. حمایت اجتماعی پیوندی اجتماعی را فراهم می‌آورد که به‌واسطه‌ی آن افراد را به اهداف مشترک اجتماع پیوند می‌زند. روابط مربوط به حمایت اجتماعی، مبادله‌ی مداوم ایده‌ها و احساسات را بین افراد ممکن کرده و این مسئله به عنوان حمایت اخلاقی دو طرفه عمل می‌کنند. (سخاوت، ۱۳۹۱: ۱۸۸)

مطابق نظر دورکیم هرچه شدت پیوندها و انسجام افراد در سطوح خرد و کلان جامعه بیشتر باشد، جامعه از ثبات بیشتری برخوردار خواهد بود. دورکیم مفهوم انسجام و پیوندها را در سطح کلان مطرح نمود و مصادیقی در سطوح خرد را نیز برای آن برشمرد مانند انسجام خانوادگی، مذهبی و... تحقیقات تجربی نشان دادند که فروپاشی هنجاری، متأثر از شدت حمایت، انسجام و پیوندهای اجتماعی نیز هست.

از نظر دورکیم تغییرات سریع اقتصادی_اجتماعی جامعه را به وضعیت آنومیک دچار کرده و سبب تضعیف نظام اخلاقی جامعه می‌گردد. امروزه این وضعیت برای کشورهای در حال توسعه یا جهان سوم صدق می‌کند. اصولاً کشورهایی که در حال گذار به سوی توسعه هستند با مسائل متعددی رو به رویند چرا که تحولات تند و ناموزون، نظام اجتماعی را دچار بی‌ثباتی خواهد کرد.

یکی از ویژگی‌های این وضعیت آن است که هنجارهای جدید به درستی در افراد درونی نشده و التزام هنجاری افراد ضعیف می‌شود. در این وضعیت که از آن به نام برده می‌شود، هنجارهای اجتماعی به دلایل مختلف» آنومیک «عنوان وضعیت رعایت نمی‌شود و از این طریق جامعه به هرج و مرج و بی قانونی دچار گشته و انواع جرایم و آسیب‌های اجتماعی در جامعه شایع شده و در نهایت هم فرد و هم جامعه متضرر خواهند شد. (صدیق سروستانی، ۱۳۸۵: ۱۷۱)

۵- آثار طرح نظریه آنومی در جرم شناسی

طرح نظریه آنومی از سوی دورکیم، بیش از هر چیز، در پیدایش نظریه آنومی و نظریه فشار رابرت مرتون که از مهم‌ترین اندیشه‌های مطرح در عرصه جرم شناسی نظری و تئوریکال هستند، تأثیر داشته است. اندیشه-های رابرت مرتون از نظریه-های ساختارگرایانه-ی استادش، پارسونز و به وضوح از مفهوم آنومی دورکیم سرچشمه می-گیرد. نظریه-های مرتون را می-توان در چارچوب سنت نظری کارکردگرایی ساختاری جای داد. کارکردگرایی به جامعه به چشم یک ارگانیسمی که به‌خوبی تنظیم شده، می-نگرد لذا برای آنکه یک جامعه دارای کارکردی

فصلنامه علمی فقه و حقوق نوین
Journal of Jurisprudence and Modern Law
Home Page: www.jaml.ir

مؤثر باشد، لازم است تا اجزای آن در حالت تعادل قرار داشته باشند و نوعی اجماع یا توافق نیز در خصوص مناسب-بودن این تعادل وجود داشته باشد.(والک لیت، ۱۳۸۶: ۴۴) این تعادل نظم اجتماعی را بوجود می-آورد و تا هنگامی که این تعادل برهم نخورد جامعه دچار بحران بی-هنجاری و آنومی نخواهد شد. وی در سال ۱۹۳۸ مقاله-ی معروف خود با عنوان «ساختار اجتماعی و آنومی» را نگاشت و همانطور که از عنوان این مقاله پیداست، منشاء اصلی وضعیت آنومی را ساختار اجتماعی نابسامان دانست. وی در این باره می-گوید: رفتاری که از نظر اجتماعی منحرف است، همان قدر محصول ساختار اجتماعی است که رفتار هم-سو و همخوان با هنجارهای اجتماعی.(دوچ و کراوس، ۱۳۸۶: ۲۱۲) بنابراین مرتون مفهوم آنومی را از آثار دورکیم اخذ نمود اما با دیدگاه ساختارگرایانه-ی خود آن را تعدیل نمود و به تبیین منشاء آنومی در جامعه پرداخت.

نظریه-ی دیگر مرتون، «نظریه-ی فشار» است که با نظریه-ی آنومی وی کاملاً در ارتباط است. از یک سو نظام فرهنگی جامعه-ای مثل جامعه-ی امریکا که مرتون با آن سر و کار داشت، اهدافی مادی را برای افراد تعریف می-کند که نیل به آنها جز از طریق در اختیار داشتن برخی ابزارها میسر نمی-گردد و از سوی دیگر ابزارهای رسیدن به این اهداف محدود هستند و در اختیار همگان به نحو مساوی و برابر قرار ندارد. این وضعیت موجد چه خواهد بود جز فشاری که بر طبقه-ی محروم از ابزارها وارد می-شود؟ با چنین پیشآمدی افراد محروم از ابزارهای مذکور، ممکن است یکی از «واکنش-های پنجگانه‌ی تطابق» را که مرتون از آنها سخن می-گوید، بروز دهند. بطور خلاصه این واکنش-ها یا در جهت تسلیم و سرفرود آوردن در برابر وضعیت موجود و یا جستجوی راهی برای تغییر و حتی دگرگونی آن است. یکی از این واکنش-ها «نوآوری» است یعنی حالتی که فرد ضمن قبول اهداف مادی، برای رسیدن به آن اهداف به راه‌هایی نامتعارف و نامشروع متوسل می-شود. اغلب جرم-هایی که در جامعه وجود دارد، احتمالاً به شکل نوآوری-اند. شخصی که ثروت بدست می-آورد، حتی اگر آن را با ابزارهای مورد تأئید جامعه به دست نیاورده باشد و به عنوان مثال از راه مبادرت به جرم قاچاق کالا بدست آورده باشد، باز هم پاداش-های اجتماعی، حیثیت و پایگاه اجتماعی را برای خود به ارمغان می-آورد.(عظیم‌زاده، ۱۳۹۰: ۱۹۳) سست شدن راه‌های مشروع در یک جامعه افراد را به ابداع راه‌هایی وا می-دارد که هرچند قانون و هنجارهای متعارف آن را منع کرده باشند اما به نوعی خلاءهای ساختار فرصت در جامعه را جبران می‌کنند.

آنچه در مورد نظریه-ی فشار مرتون گفته شد؛ دقیقاً و به همین شکل مورد توجه نظریه-پردازان خرده-فرهنگی قرارگرفته اما با در نظر گرفتن و اضافه نمودن سه موضوع مهم به استدلال یادشده، نخست اینکه واکنش-های انطباقی می-توانند به شکل جمعی باشند لذا محور بحث واکنش-های انطباقی در نظریه-های خرده-فرهنگی از فرد به گروه تغییر می-یابد، دوم اینکه نابسامانی ساختار اجتماعی- اقتصادی نمی-تواند به-خودی خود منجر به ارتکاب جرم و انحراف گردد مگر با بروز احساس ناکامی و محرومیت نسبی در افراد و سوم اینکه توزیع فرصت-ها و ابزارهای نامشروع نیز به-گونه-ای نیست که آحاد افراد محروم از ابزارهای مشروع، به آنها دسترسی داشته باشند بلکه نحوه-ی تقسیم این ابزارها نیز مانند ابزارهای مشروع، افتراقی است.(ممتاز، ۱۳۸۱: ۴۴)

به-طور کلی دستاورد ارزشمند نظریه-ی مرتون توجه عمیق به اثر متغیرهای اجتماعی بر ارتکاب جرم و تثبیت و تحکیم نگاه جامعه-شناسانه به جرم و بزهکاری است. مرتون نخستین کسی بود که به نقش و تأثیر پایگاه اقتصادی – اجتماعی و حتی به-طور غیرمستقیم به تأثیر محرومیت نسبی بر ارتکاب جرم توجه نمود. تأثیر نظریه-های مرتون بر تمامی

فصلنامه علمی فقه و حقوق نوین
Journal of Jurisprudence and Modern Law
Home Page: www.jaml.ir

جریاهای فکری خرده‌فرهنگی که پس از آن مطرح شدند، امری انکارناشدنی است. بعلاوه کلووارد و اوهلین با نگاه به ایده-ی واکنش-های انطباقی پنجگانه-ی مرتون به طبقه-بندی خرده-فرهنگ-های انحرافی پرداختند که گام بزرگی در پاسخ به چرایی و تبیین ظهور خرده-فرهنگ-های گوناگون در جوامع مختلف محسوب می-شود.

البته باید به این نکته نیز توجه داشت که میان آنچه مرتون به آن اشاره می‌کند و دورکیم به آن باور دارد، برخی تفاوت‌ها مشهود است و بنابراین، درست است که مفهوم و بنیان اولیه نظریه آنومی را مرتون از دورکیم دریافت کرده، ولی در بسط و گسترش اندیشه خود، الزاماً به آنچه دورکیم گفته، پایبند نمانده است. در این باره باید گفت اندیشه-های رابرت مرتون از نظریه-های ساختارگرایانه-ی استادش، پارسونز و مفهوم آنومی دورکیم سرچشمه می-گیرد. نظریه-های مرتون را می-توان در چارچوب سنت نظری کارکردگرایی ساختاری جای داد. کارکردگرایی به جامعه به چشم یک ارگانیسمی که به‌خوبی تنظیم شده، می-نگرد لذا برای آنکه یک جامعه دارای کارکردی مؤثر باشد، لازم است تا اجزای آن در حالت تعادل قرار داشته باشند و نوعی اجماع یا توافق نیز در خصوص مناسب-بودن این تعادل وجود داشته باشد(کی‌نیا، ۱۳۸۴: ۲۸۳).

این تعادل نظم اجتماعی را بوجود می-آورد و تا هنگامی که این تعادل برهم نخورد جامعه دچار بحران بی-هنجاری و آنومی نخواهد شد. وی در سال ۱۹۳۸ مقاله-ی معروف خود با عنوان «ساختار اجتماعی و آنومی» را نگاشت و منشاء اصلی وضعیت آنومی را ساختار اجتماعی نابسامان دانست. وی در این باره می-گوید: رفتاری که از نظر اجتماعی منحرف است، همان قدر محصول ساختار اجتماعی است که رفتار هم-سو و همخوان با هنجارهای اجتماعی.(محسنی، ۱۳۹۵: ۸۰) بنابراین مرتون مفهوم آنومی را از آثار دورکیم اخذ نمود اما با دیدگاه ساختارگرایانه-ی خود آن را تعدیل نمود و به تبیین منشاء آنومی در جامعه پرداخت.

علیرغم اینکه عموماً تئوری آنومی مرتن را بسط تئوری آنومی دورکیم می‌دانند، اختلافات قابل توجهی بین آنها وجود دارد که گاهی حتی جهت‌های کاملاً متفاوتی می‌توانند به پژوهش‌ها بدهند (از جمله در خصوص اثرات طبقه). هر کدام از این تئوری‌ها قابلیت‌های متمایزی دارند که با درک این قابلیت‌ها، امکان بهره‌مندی از آن‌ها فراهم می‌شود. به‌عنوان مثال تأکید ویژه و برجسته‌ای که تئوری آنومی دورکیم بر تحولات و بحران‌ها، به ویژه بحران‌های اقتصادی دارد، در کار مرتون وجود ندارد. بنابراین از این نظر، استفاده از تئوری آنومی دورکیم با شرایط جوامعی که درگیر بحران اقتصادی هستند، تناسب بیشتری دارد و می‌توان از ظرفیت این تئوری برای تحلیل این شرایط استفاده کرد.

نتیجه گیری

آنچه که در مورد نظریه آنومی دورکیم مسلم است اینکه موضوع محوری نظریه او مسئله نظم و پیوستگی اجتماعی است. چرا که او به دنبال آن است تا نشان دهد که چگونه در اثر تحولات اجتماعی و مدرنیته در جامعه، پیوستگی اجتماعی با چالش مواجه شده است. از نظر دورکیم در نتیجه تغییرات سریع اقتصادی جامعه و تقسیم کار، وجدان جمعی و دین به عنوان شکل عالی وجدان جمعی تضعیف می‌شود و اخلاقیات غیر دینی درصدد جایگزینی آن می‌باشد. در حقیقت با تفکیک نهادی دین یا سکولاریزه شدن جامعه در نتیجه تقسیم کار، تعهدات دینی افراد در جامعه دچار ضعف می‌شود و با توجه به اینکه مذهب همواره عاملی تاثیرگذار در همبستگی افراد در جامعه می‌باشد تضعیف آن زمینه خودخواهی افراد و آنومی در جامعه می‌شود.

اساس نظریه دورکیم را می‌توان در توضیح وضعیت جامعه پیدا کرد. چرا

فصلنامه علمی فقه و حقوق نوین
Journal of Jurisprudence and Modern Law
Home Page: www.jaml.ir

که نظریه دورکیم درباره جامعه‌ای است که به تدریج شرایط سنتی را رها کرده و در مسیر جامعه مدرن قرار گرفته است. در این وضعیت است که به دلیل عدم جانشینی کامل قواعد جامعه‌ای جدید به جای جامعه قدیم، جامعه با وضعیتی رو به رو می‌شود که نتیجه آن آنومی یا عدم التزام به قواعد اخلاقی)قانون(است.

تلقی دورکیم از جرم و بزهکاری و انحراف و کژروی در نوع خود، رویکرد جدید و بی‌سابقه‌ای است. نگاهی که دورکیم به زمینه‌های بروز جرم و ظهور انحراف دارد، برخاسته از توجهی است که وی به مفهوم بنیادین بی‌هنجاری دارد. از نظر وی، قانونگریزی، نتیجه بی‌هنجاری است و بی‌هنجاری، ریشه در ساختار معیوب اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی جامعه دارد که عوامل مختلفی ازجمله بی‌دینی، ولنگاری فرهنگی، فقر اقتصادی و یا حتی در مقابل آن پیشرفت اقتصادی و معیشتی در آن نقش دارند.

به عقیده دورکیم، آنومی، خاصیت جوامعی است که نتوانسته‌اند شهروندان خود را برای پذیرش نقش‌های جدید آماده کنند. وی بر آن است که افراد از آرزوها و خواسته‌هایی نامحدود برخوردارند و این جامعه است که به آرزوهای آنان جهت می‌دهد و آن را محدود می‌سازد. در این خصوص او بین دو مفهوم آنومی و خودبینی که محور هر دو آن‌ها، هنجارهای اجتماعی است، تمایز قائل می‌شود. به عقیده دورکیم، آنومی، ناظر به نبود نظم بندی اجتماعی است؛ وضعیتی که در آن، دیگر کنترلی بر خواسته‌های نامحدود وجدان فردی وجود ندارد، بدین معنا که جامعه در وضعیتی از بی‌هنجاری قرار گرفته و قادر به تحمیل و اعمال هنجارهای منع کننده این دست رفتارها نیست. بی‌هنجاری را می‌توان وضعیتی دانست که در جامعه هنجار معینی وجود ندارد که فرد از آن پیروی کند و او بی‌ریشه عمل می‌کند. این حالت هنگامی رخ می‌دهد که انتظارات فرهنگی با واقعیات اجتماعی ناهماهنگ و ناسازگار است.

[۱] David Émile Durkheim

[۲] Robert K. Merton

[۳] Talcott Parsons

[۴] Enrico Ferri

[۵] برای نمونه، می توان به دوره جنگ عراق که به سقوط صدام حسین انجامید، اشاره کرد که با فروپاشی هنجارهای اجتماعی، میزان جرم سرقت ازجمله سرقت آثار تاریخی و باستانی از موزه ها افزایش یافت. بر این اساس، دکتر متولی مدیر موزه ملی عراق، در سال ۲۰۰۳ در یک کنفرانس مطبوعاتی در بندن، شمار آثار هنری سرقت شده پس از سقوط صدام حسین را ۱۳ هزار مورد اعلام کرد.

[۶] Anomie

فصلنامه علمی فقه و حقوق نوین
Journal of Jurisprudence and Modern Law
Home Page: www.jaml.ir

منابع

۱. جوانمرد، بهروز، نظریه‌های بی سازمانی اجتماعی، نشریه مقالات حقوقی، سال سوم، شماره ۱۲، ۱۳۹۰.

۲. حسینی کشاورز، معصومه، تأثیر جامعه شناسی بر تحولات جرم شناسی با تأکید بر نظریه‌های بی‌هنجاری دورکیم و عدم برابری فرصت‌ها مرتون، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۹۳.

۳. دوچ، مورتون و کراوس، روبرت. م، نظریه-ها در روان-شناسی اجتماعی، ترجمه مرتضی کتبی، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ چهارم، ۱۳۸۶.

۴. رایجیان اصلی، مهرداد، درآمدی بر جرم شناسی، نشر سمت، چاپ دوم، ۱۳۹۸.

۵. رفیع پور، فرامرز، آنومی یا آشفتگی اجتماعی، انتشارات سروش، چاپ سوم، ۱۳۸۷.

۶. سخاوت، جعفر، جامعه شناسی انحرافات اجتماعی، انتشارات آوای نور، چاپ چهارم، ۱۳۹۱.

۷. سلیمی، علی، جرم و جرم شناسی، نشر بهنامی، چاپ ششم، ۱۳۹۵.

۸. سی من، ادوارد، نظریه‌های جامعه شناسی، ترجمه حسن افکاری و مهناز سرشار، نشر نی، چاپ ششم، ۱۳۸۹.

۹. صدیق سروستانی، رحمت الله، آسیب شناسی جنایی، انتشارات فروزش، چاپ اول، ۱۳۸۵.

۱۰. عظیم زاده، شادی، جرم شناسی تطبیقی(پایداری بزهکاری)، انتشارات جنگل، چاپ اول، ۱۳۹۰.

۱۱. فیروزجائیان، علی اصغر و سید ضیاء هاشمی، قانون گریزی به مثابه آنومی اجتماعی، فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی، شماره ۴۷، پاییز ۱۳۹۵.

۱۲. کاوه، محمد، آسیب-شناسی بیماری-های اجتماعی، جلد اول، انتشارات جامعه-شناسان، چاپ نخست، ۱۳۹۱.

۱۳. کلووارد، رابرت، بی‌هنجاری و رفتار انحرافی، ترجمه فرهاد ارشادی، نشر نیستان، چاپ سوم، ۱۳۸۸.

۱۴. کوثری، مسعود و همکاران، آنومی اجتماعی، نشر دفتر گسترش تولید علم، چاپ سوم، ۱۳۸۸.

۱۵. کی نیا، مهدی، جرم شناسی نظری، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ نهم، ۱۳۸۴.

۱۶. کیوستر، پیتر، اندیشه‌های بنیادین در جامعه شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، نشر نی، چاپ اول، ۱۳۸۶.

۱۷. گیدنز، آنتونی، دورکیم، ترجمه یوسف اباذری، انتشارات خوارزمی، چاپ سوم، ۱۳۶۳.

۱۸. لوکس، برایان، بی‌هنجاری- آنومی، ترجمه رضا کرمانپور، نشر دادستان، چاپ اول، ۱۳۸۳.

۱۹. لهمان، جنیفر، ساخت شکنی دورکیم(نقدی پساساختارگرایانه)، ترجمه شهناز مسمی پرست، نشر نی، چاپ اول، ۱۳۸۵.

۲۰. محسنی، سیدمتین، تحلیل کارکردی جرم از نظر دورکیم تا نگاه ساختاری مرتن، دوفصلنامه گفتمان حقوقی، سال پنجم، شماره دهم، پاییز و زمستان ۱۳۹۵.

۲۱. معیدفر، سعید، جامعه شناسی مسائل اجتماعی در ایران، انتشارات نور علم، چاپ سوم، ۱۳۹۱.

۲۲. ممتاز، فریده، انحرافات اجتماعی، شرکت سهامی انتشار، چاپ اول، ۱۳۸۱.

۲۳. مومنی، فرشاد، آنومی اقتصادی، نشر شورای اجتماعی کشور، چاپ اول، ۱۳۸۴.

۲۴. نائبی، هوشنگ و همکاران، تئوری آنومی دورکیم و مرتون؛ شباهت‌ها، تفاوت‌ها و شیوه‌های اندازه گیری، فصلنامه رفاه اجتماعی، سال هفدهم، شماره ۶، پاییز ۱۳۹۶.

۲۵. نجفی ابرندآبادی، علی حسین و حمید هاشم بیگی، دانشنامه جرم شناسی، انتشارات جهاد دانشگاهی دانشگاه شهید بهشتی، چاپ سی و هشتم، ۱۳۹۶.

۲۶. نجفی ابرندآبادی، علی-حسین، جزوه جامعه شناسی جنایی، تقریرات درسی دوره کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی، دانشگاه شهید بهشتی،

فصلنامه علمی فقه و حقوق نوین
Journal of Jurisprudence and Modern Law
Home Page: www.jaml.ir

۱۳۹۴.

۲۷. والک لیت، ساندرا، شناخت جرم شناسی، ترجمه-ی حمیدرضا ملک-محمدی، چاپ نخست، انتشارات میزان، ۱۳۸۶.

۲۸. ولد، جرج و دیگران، جرم شناسی نظری، ترجمه علی شجاعی، نشر سمت، چاپ هشتم، ۱۳۹۳.

۲۹. ویلیامز، فرانک پی، نظریه‌های جرم شناسی، ترجمه حمید ملک محمدی، نشر میزان، چاپ ششم، ۱۳۹۳.